

تجربه‌ی حضور در تخت فولاد؛ چرخه‌ی هویت در یک مکان شهری^۱

نوع مقاله: پژوهشی

* امیر پرچمی

** مهدی ژیانپور

*** زهرا ناجی اصفهانی

**** مینا جلالی

E-mail: amirparchami@gmail.com

E-mail: zhanpourmehdi@yahoo.com

E-mail: naji.zahra@gmail.com

E-mail: jalali_mina64@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۲

چکیده

مکان شهری در مفهوم واقعی، جایی است که شهروندان را به نوعی متحول کند که هنگام ترک آن مکان، دیگر همان شهروندی نباشند که به آن وارد شده‌اند. تخت فولاد به مثابه گورستانی مشهور و مورد احترام در اصفهان می‌تواند چنین مکانی باشد. این پژوهش با هدف شناخت دریافت شهروندان اصفهانی از این منظر شهری به انجام رسیده است. بدین منظور محتوای اظهار شده در دفاتر ثبت خاطره و دل نوشته واقع در مجموعه تخت فولاد طی سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۳ مطالعه و تحلیل شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بازدیدکنندگان، تخت فولاد را هویت مند تلقی و آن را چشمگیر، بی نظیر، ارزشمند و گران‌مایه توصیف نموده‌اند. این وجوه هویتی در بازدیدکنندگان حس و حال‌هایی نظیر: لذت، حیرت، عزت و بهجت ایجاد کرده است. هویت‌بخشی ویژگی دیگر این مجموعه است که در قالب مضامین بازدیدارندگی، آموزندگی و بالندگی توصیف شده است. همچنین اهمیت این مکان هویتی نزد بازدیدکنندگان چنان بوده که آنها دغدغه‌ی تداوم و تعمیم اقدامات مرتبط با حفظ، مرمت و پاسداشت تاریخ و مشاهیر در این مکان و دیگر اماکن تاریخی را داشته‌اند. علاوه بر اینها، بهبود نگهداشت، آراستگی و تحول در تبلیغ و معرفی این مکان نیز مورد تأکید بازدیدکنندگان بوده است.

کلید واژه‌ها: تحلیل مضمون، تخت فولاد، هویت، مکان، منظر.

۱. مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان « کندوکاوی بر دل‌نوشته‌های بازدیدکنندگان تخت فولاد اصفهان » است که در مجموعه فرهنگی، تاریخی و مذهبی تخت فولاد و تحت نظر گروه پژوهشی اجتماعی فرهنگی شهر جهاددانشگاهی اصفهان در سال ۱۳۹۸ انجام شده است.

* کارشناسی‌ارشد شیعه‌شناسی (گرایش جامعه‌شناسی)، دانشگاه قم

** دکتری جامعه‌شناسی، استادیار پژوهش، جهاددانشگاهی اصفهان

*** دکتری جامعه‌شناسی، مربی پژوهش، جهاددانشگاهی اصفهان، نویسنده‌ی مسئول

**** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، مربی پژوهش جهاددانشگاهی اصفهان



مقدمه و طرح مسأله

تخت فولاد، گورستانی (۱) بسیار مشهور و مورد احترام در اصفهان است. این مجموعه هم‌اکنون در جنوب شرقی اصفهان با مساحتی حدود ۷۵ هکتار، آرامگاه تعداد کثیری از علما، عرفا، حکما، فقها، رجال و هنرمندان مختلف است. این گورستان که بنابر ادعای برخی منابع، پیش از اسلام محل دفن «یوشع نبی» بوده است از قرن هشتم هجری به آرامی گسترش یافت و در عهد صفوی، با توسعه شهر اصفهان و محلات آن، به سوی جنوب شهر رو به رشد گذاشت (شاهمندی و شهیدانی، ۱۳۹۲: ۹۱). تخت فولاد در این مطالعه به مثابه منظری شهری با ابعاد نمادین تاریخی، اجتماعی و فرهنگی، همواره در تعامل پویا با فضای زندگی انسان‌ها و شهر قرار داشته است.

گورستان‌ها، بسته به افرادی که در آنجا دفن شده‌اند، کیفیت‌های فضایی متفاوتی به خود می‌گیرند. به همین دلیل تخت فولاد را با ۲۳۰۰ مقبره یکی از چهار گورستان مهم جهان اسلام در کنار بقیع (مدینه)، ابوطالب (مکه) و وادی‌السلام (نجف) قلمداد کرده‌اند. این گونه اماکن پیش‌تر کاربردی پرستش‌گاهی و اکنون کاربردی زیارتی و سیاحتی دارند و بازدیدکنندگان نیز، به ویژه پس از سه یا چهار نسل، نه خویشان و نزدیکان که جمعیت‌هایی در سودای تقرب به جهان متعالی‌تر و یا جهانگردانند (کاشی‌گر، ۱۳۸۲: ۱۰۵).

گورستان‌ها در زمره قدیمی‌ترین فضاهای شهری به حساب می‌آیند. تخت فولاد نیز از زمان متروک شدن گورستان‌های داخل شهر - که در یکی از منابع تا ۲۲ قطعه تخمین زده شده است - تا سال ۱۳۶۳، قبل از احداث «باغ رضوان»، تنها گورستان اصفهان بود. از این رو، این مجموعه به منزله‌ی فضایی دیرپا و ماندگار، امروزه منظری تاریخی به حساب می‌آید که ویژگی‌های اعصار مختلف را برای آیندگان به نمایش خواهد گذاشت (نک به حقیر و شوهانی‌زاده، ۱۳۹۰: ۸۱).

به لحاظ اجتماعی، به نظر می‌رسد به خاک سپرده‌شدن یکی از آشنایان و بستگان در چنین مکانی علاوه بر اعطای هویت خاص به این فضا، جنبه‌ای خاطره‌انگیز را برای افراد ایجاد می‌کند. هم‌چنین حضور بر سر مزار مشاهیر کشور در یک گورستان، با در نظر گرفتن این که شاید امکان دیدار وی در طول حیاتش برای اکثریت افراد جامعه وجود نداشته، حاکی از برقراری رابطه‌ای از نوع دیگر است، عاملی که به نظر می‌رسد از نامتعارف بودن فضای گورستان برای عامه مردم نیز خواهد کاست. به علاوه به نظر می‌رسد در جایی که فرد متوفی برای عده‌ی زیادی از مردم شناسا باشد تبدیل به

تجربه‌ای نسبتاً مشترک شده و وجه قابل توجهی از اشتراک را به همراه داشته و هویتی ملی را گوشزد می‌کند (حقیر و شوهانی‌زاده، ۱۳۹۰: ۸۳).

از جنبه فرهنگی نیز می‌توان گفت که گورستان‌ها میزبان هنرهای چندگانه‌ای چون نقاشی، مجسمه‌سازی، گچ‌بری و کاشی‌کاری، حجاری، خطاطی و معماری هستند و تجربه‌ی نشانه‌ها و نمادهای این فضا همچون سنگ قبور و مقبره‌ها، اشعار و سروده‌هایی که بر آن نقش بسته و به‌طور کلی تجلی هم‌نشینی مرگ و زندگی در کلیت فضای گورستان قابل تأمل است. در این راستا تخت فولاد اصفهان به دلیل وسعت، کثرت مشاهیر مدفون در آن و وجود ابنیه‌ی ارزشمند تاریخی جزء مهم‌ترین محوطه‌های فرهنگی ایران محسوب می‌شود (نیلفروشان، ۱۳۸۴). به نحوی که در سال ۱۳۷۵ در فهرست آثار ملی به ثبت رسید و در سال‌های بعد، دیگر تکایای این قبرستان هرکدام جداگانه به ثبت آثار ملی رسیده‌اند. از این‌رو، می‌توان ادعا کرد برای افرادی که به این فضا وارد می‌شوند، داستانی از هنر، فرهنگ و تاریخ را بازگو می‌کند (نک. به حقیر و شوهانی‌زاده، ۱۳۹۰: ۸۱).

تخت فولاد با تمام این ویژگی‌ها به‌منزله‌ی مجموعه‌ای تاریخی، فرهنگی و مذهبی پذیرای شهروندان و گردشگران بی‌شماری است که از آن در ایام مختلف سال بازدید می‌کنند. بر این اساس و همان‌طور که پیش‌تر گفته شد این مطالعه با تعریف این گورستان به‌مثابه منظر شهری و با تأکید بر جنبه‌های ذهنی منظر، تلاش کرده است، دریافت‌های مخاطبان را که در قالب دفاتر این مجموعه به ثبت رسیده است، مورد واکاوی قرار دهد. این دفاتر از طرف مجموعه، جهت ثبت نظرات، پیشنهادها و خاطره نوشته‌های بازدیدکنندگان در نظر گرفته شده و به تفکیک سال‌های مختلف، مستند شده است.

پیشینه پژوهش

درخصوص گورستان و به‌ویژه در طی یک دهه گذشته مطالعات بسیاری انجام شده است. برای بهره‌گیری از نتایج این مطالعات و با عنایت به یافته‌های این مطالعه، بر پژوهش‌هایی تأکید شده است که بر گورستان‌های درون شهری که عمدتاً گورستان‌های تاریخی هستند متمرکزند. این مطالعات عمدتاً گورستان را به‌مثابه بخش پویایی از حیات شهری و به‌منزله‌ی منظر شهری با ابعاد تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین تلقی می‌کنند. نکته حائز اهمیت این است که به دلیل اهمیت تخت فولاد در این دسته از گورستان‌ها بسیاری از مطالعات، این مجموعه را به‌عنوان مورد مطالعه انتخاب

کرده‌اند. مهم‌ترین آنها به قرار زیر است:

زارعی مزرعچه و همکاران (۱۳۹۴) مطالعه‌ای با عنوان «برنامه‌ریزی و توسعه‌ی گردشگری در آرامستان تاریخی، فرهنگی و مذهبی تخت فولاد» انجام داده‌اند. نویسندگان معتقدند یکی از راهکارهای محافظت و پابرجا ماندن گورستان‌های تاریخی که بخشی از هویت تاریخی و ملی ملت‌ها هستند، استفاده از آن در صنعت سفر و گردشگری است. با توجه به نتایج حاصل از دو پرسشنامه گردشگران بالقوه و بالفعل مجموعه تخت فولاد، قابلیت‌هایی نظیر تاریخی بودن و قدمت مکان، فضای معنوی، توجه به ابعاد هنری (نظیر معماری آرامگاهی، خط، نقاشی و حجاری) و زمینه مساعد برای توسعه گردشگری شجره‌نامه شناسایی شدند. بر این اساس چهار سناریوی احتمالی به‌منظور توسعه‌ی گردشگری در این مطالعه ارائه شده است که سناریوی برتر عبارت است از توسعه و بهبود زیرساخت‌های فیزیکی و انسانی. توصیه‌های سیاستی از جمله تغییر مجموعه‌ی تخت فولاد از یک منبع گردشگری به جاذبه‌ای گردشگری، تدوین و عملیاتی ساختن برنامه بازاریابی تخت فولاد با نگاه به بازارهای داخلی و خارجی رقیب، تقویت اقدامات اثربخش فعلی و تعریف فعالیت‌های جدید در مجموعه برای گروه‌هایی با علائق خاص که خود سفارش‌دهنده‌ی آن هستند ذیل این سناریو پیشنهاد شده است.

شاه‌مندی و شهیدانی (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای با عنوان «نقش و جایگاه آرامگاه تاریخی تخت فولاد در حیات شهری اصفهان از صفویه تا معاصر» با رویکرد توصیفی - تحلیلی به جایگاه و تعامل این آرامگاه با معماری و شهرسازی اصفهان، از دوره‌ی صفوی تا عصر حاضر، پرداخته است. نویسندگان نتیجه گرفته‌اند این آرامگاه، هویت خود را اول مدیون تفکرات شیعی و اقدامات دولت صفوی و پس آن قاجار تا عصر حاضر و توجه ایشان به بزرگان علم و عرفان در ذیل مکتب معماری و شهرسازی اصفهان است. در این مکتب، آرامگاه اهمیت و ارزشی همپای دیگر بناهای شهری دارد. تخت فولاد به‌منزله‌ی یک آرامگاه در باطن خود محتوایی متفاوت و مجزا با دیگر عناصر معماری شهری دارد؛ اما در ظاهر و صورت خود از کلیات معماری و شهرسازی اصفهان پیروی کرده و در مسیر هدفی مشترک عمل می‌نماید.

شفیعی و زارعی مزرعچه (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای با عنوان «آرامستان‌های تاریخی؛ مقاصدی پیش روی گردشگران فرهنگی» پس از مرور ادبیات نظری و تجربی در این حوزه به ظرفیت‌های گردشگری در تخت فولاد تحت عناوینی چون یکی از شریف‌ترین در جهان اسلام، مکانی برای تفکر و تعقل، کتاب مصور تاریخ مشاهیر

ایران و اسلام، یادمان شهامت، شجاعت و شهادت، موزه‌ای از هنرهای ایرانی - اسلامی، مکانی برای یافتن ریشه‌ها و تفرجگاهی دیرینه برای آدینه‌ی خانواده‌ها پرداخته‌اند. نویسندگان با توجه به این ظرفیت‌ها نتیجه می‌گیرند تخت فولاد می‌تواند از ابعاد گوناگونی مورد توجه انواع گردشگران قرار گیرد و با بهره‌گیری از دیگر ظرفیت‌های شهر، به رونق گردشگری و جلب رضایت گردشگران شهر اصفهان بیانجامد.

وحید زادگان و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ی «ارزیابی متغیرهای تأثیرگذار بر زیبایی منظر تاریخی - فرهنگی آرامستان‌های اسلامی ایران (نمونه موردی تخت فولاد اصفهان)» با استفاده از آزمونی بصری به شناسایی متغیرهای مؤثر بر ارزیابی زیبایی مجموعه تخت فولاد اصفهان به منزله‌ی منظر تاریخی - فرهنگی پرداخته است. محققان با نمونه‌ای مرکب از بازدیدکنندگان و شهروندان مرتبط با مجموعه، مناظر برتر تخت فولاد (با استفاده از ۱۲ تصویر داوری شده) و علت انتخاب این مناظر را شناسایی کرده‌اند. آنها با دسته‌بندی عوامل در دو گروه عوامل ذهنی و عینی نتیجه گرفتند برای ناظران آشنایی با مکان، نظم و آرامش تفکر، فضای سبز از جمله عوامل اولویت‌دار عینی و بامعنا بودند و حس مکان، معنویت و سرزندگی مهم‌ترین عوامل ذهنی مطرح شده است. در این پژوهش دو عامل تمرکز (تفکر) و آرامش برای اولین بار جزء عوامل مؤثر در تشخیص زیبایی‌شناسانه‌ی مردم از مناظر شهری شناسایی شدند که می‌تواند به عواملی نظیر هویت، سرزندگی، خاطره‌سازی، شگفتی، امنیت، تاریخ، راز و رمز و لذت افزوده شود.

وحیدزادگان و همکاران (۱۳۹۲) در نوشتار دیگری تحت عنوان «آرامستان‌های تاریخی ایرانی - اسلامی: پارک موزه‌های نامکشوف شهری؛ بررسی جلوه‌های هنری آرامستان تخت فولاد اصفهان» ادعا می‌کنند گورستان‌های تاریخی پارک موزه‌های نامکشوف شهر و نمایشگاهی از آثار هنری و معماری هستند که نه تنها برای گردشگران داخلی که برای معرفی باورها و اعتقادات و تبادل فرهنگ‌ها در سطح بین‌المللی نیز سایت‌هایی با ارزش‌اند. بر طبق نظر محققان، تخت فولاد به سبب داشتن فضاهای متعددی نظیر کاروانسراها، تکایا، آب انبارها و... از گذشته تا به امروز انتخاب شهروندان برای گذران فراغت و فضایی برای آرامش آدمی، تعادل و عبرت است. آنها هم‌چنین برای باز زنده‌سازی این فضا پیشنهاد می‌کنند از عناصر تاریخی، طبیعی، فرهنگی و هویت‌بخش این مجموعه حفاظت انجام گیرد؛ محیط خاطره‌انگیز آن حفظ شود و به



نقش این اماکن در هویت‌بخشی به شهر و محله توجه شود؛ مجموعه‌ی تخت فولاد با فضاهای گردشگری، فراغتی و خدمات اجتماعی ترکیب گردد؛ پیرامون مجموعه‌ی تخت فولاد به تأسیسات، امکانات، تسهیلات شهری متناسب با مقیاس بهره‌وری از آن مجهز گردد و از باورهایی پیرامون مرگ و زندگی که در بینش شکل‌دهندگان به مجموعه در طول تاریخ حکم‌فرما بوده است بهره‌ی کاربردی گرفته شود.

منتظرالقائم و حمیدی اصفهانی (۱۳۹۰) در مقاله‌ی «جایگاه آرامستان و نقش آن در شهر اسلامی» ضمن مروری بر گورستان‌های جهان اسلام و به‌ویژه تخت فولاد به بررسی مفهوم و پدیده زیارت در فرهنگ اسلامی و زیارت قبور اموات پرداخته‌اند. نویسندگان سپس پیشنهادهایی در مورد گورستان در شهر اسلامی، از جمله بازگشت گورستان‌ها به متن شهرها، ایجاد فضای تفرج‌گاهی در گورستان‌ها به لحاظ القای آرامش و شادی و بهره‌گیری از هنرها، نمادها و نشانه‌ها در معماری مزارها و تکایا و ساختمان‌ها، مطرح کرده‌اند.

برخی از مطالعات نگاهی کلی به گورستان‌های درون‌شهری داشته‌اند. به‌طور مثال خمر و پاسبان عیسی‌لو (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای با عنوان «آرامستان‌های درون‌شهری، هویت و قابلیت‌های فراموش‌شده آن» ضمن طرح این ادعا که نظام برنامه‌ریزی در ایران درخصوص برنامه‌ریزی گورستان از سابقه پربراری برخوردار نیست، کوشش‌ها در این زمینه را پراکنده و غیرعلمی با اثرات منفی ارزیابی می‌کنند. نویسندگان معتقدند گورستان‌ها عناصر هویتی هستند که امروزه به بخش‌های فراموش‌شده شهری تبدیل شده و بررسی سندهای طرح هشت شهر در ایران این ادعا را تأیید می‌کند. از دیدگاه محققان، اهمیت گورستان در شهرسازی معاصر متکی بر ویژگی‌هایی چون فضای آئینی و تربیتی گورستان، نقش گورستان به‌مثابه حافظه تاریخی و نشانه فرهنگی، گورستان در نقش منظر خاطره‌انگیز، نقش گورستان در حفظ محیط‌زیست و تقویت و تأمین فضای سبز شهری است.

حقیر و شوهانی‌زاد (۱۳۹۰) نیز در مقاله‌ی «چگونگی ارتقای جایگاه گورستان‌ها در جوانب فرهنگی و اجتماعی توسعه پایدار شهری در ایران» با این دغدغه که روند متروک و فرسوده شدن گورستان‌های درون‌شهری در شهرهای ایران یکی از موانع دستیابی به توسعه پایدار شهری است با تأکید بر جنبه‌های فرهنگی، در توسعه پایدار و استناد به بیانیه یونسکو در رابطه با تنوع فرهنگی، به بیان راهکارهایی برای ارتقای نقش گورستان‌ها در شهرهای ایران برای دستیابی به توسعه پایدار پرداخته‌اند. در این

پژوهش که با راهبرد تحقیق کیفی و به روش نظریه زمینه‌ای انجام شده است پیشنهادی مرکب از چهار برنامه تدوین کرده‌اند: ۱- بازیابی، احیا و ارتقای کیفی گورستان‌های تاریخی موجود ۲- گسترش این گورستان‌ها، بنا به موقعیت و کاربری‌ها، در بافت اطراف ۳- مکان‌یابی گورستان‌های جدید در موقعیت‌های مکانی و فضایی مناسب داخل شهر در قالب کاربری‌های متناسب با آنها ۴- بهره‌گیری از گورستان‌ها به‌منزله فضای سبز شهری.

برخی از مطالعات با بهره‌گیری از تجربیات جهانی و کارکرد گورستان‌های تاریخی در دیگر کشورها، پیشنهادهایی مطرح کرده‌اند. به‌طور مثال مسعودی اصل (۱۳۹۵) در مقاله «مناظر فرهنگی و اجتماعی آرامستان میلان با رویکرد فضای باز جمعی شهری» با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و به‌واسطه کاوش در اسناد و مشاهدات میدانی به توصیف گورستان میلان پرداخته است. از دیدگاه نگارنده، این گورستان دارای کارکردی دوگانه برای مردگان و زندگان است. نویسنده، ضمن برشمردن نقش و ویژگی‌های فرهنگی و هنری (زیباشناختی)، زیست‌محیطی و تاریخی برای گورستان میلان، آن را واجد کارکردهایی نظیر خاطره‌انگیزی، هویت‌بخشی، تقویت تعاملات اجتماعی و ارتقای کیفیت و ایجاد سرزندگی می‌داند. درنهایت نویسنده نتیجه می‌گیرد: گورستان میلان به‌مثابه فضای باز و گشوده‌ای بوده که علاوه بر مکانی برای اجتماع نشانه‌ها و یادمان‌ها از عناصر طبیعی نیز بهره‌مند است. وجود عناصر طبیعی، فرهنگی و تاریخی و آمیزش آن با مفاهیم اجتماعی و نیز ابعاد مهم عملکردی و ویژگی‌های منحصربه‌فرد و متمایز نظیر گستردگی، اختصاص به مقطع زمانی خاص و مردمی بودن باعث جذابیت آن به‌منزله‌ی گورستانی منحصربه‌فرد شده است. این ویژگی‌ها این مکان را به فضایی باز جمعی شهری و مقصد ماندگار و هویت‌مند برای گردشگری تبدیل کرده و باعث پذیرش آن در نقش منظری فرهنگی و اجتماعی اصیل و تداوم‌یافته شده است.

در برخی از پژوهش‌ها، گورستان‌های دیگر تاریخی در ایران به غیر از تخت فولاد دست‌مایه‌ی مطالعه بوده است. برای نمونه روانشادینیا (۱۳۹۴) در مقاله «نقش آرامستان تاریخی دارالسلام شیراز به‌منزله نشانه شهری در زنده کردن خاطرات جمعی مردم» مدعی است که گورستان فوق، پیرو سابقه‌ی تاریخی بیش از هزار ساله و مدفن صدها تن از علما، عرفا، مشاهیر، هنرمندان و دانشمندان بزرگ، سند هویت شهر تلقی شده و مکانی است که معنایی آشنا در مجموعه خاطرات جمعی مردم شهر دارد و زیارت آن یادآور خاطرات مردم شیراز است. در پایان این مقاله بر لزوم حفظ این مکان و جلوگیری از نابودی کالبد و اسناد گران‌قدر فرهنگی آن تأکید جدی شده است.



آنچه در مجموع می‌توان گفت این مطالعه از حیث روش‌شناسی از دیگر مطالعات متمایز است. چنانچه پیداست اغلب مطالعات با اتکا بر مرور اسناد و با رویکردی توصیفی به گورستان و به‌ویژه تخت فولاد پرداخته‌اند. چند مطالعه هم یافته‌هایشان را با بهره‌گیری از پرسش‌نامه، به آراء و نظرات شهروندان متکی کرده‌اند. در این مطالعه تخت فولاد به منزله‌ی منظری شهری قلمداد شده که نمودی ذهنی در ذهن ناظر ایجاد می‌کند. از این رو نویسندگان این منظر را در اندیشه و ذهن بیننده جست‌وجو کرده‌اند که مسیر دستیابی به این تصویر ذهنی، تحلیل مضمون دست‌نوشته‌ها و خاطره‌نوشت‌های بازدیدکنندگان از مجموعه تخت فولاد است.

ملاحظات مفهومی

چارچوب مفهومی این مطالعه در تقاطع سه مفهوم مکان، هویت و منظر شکل می‌گیرد. تعریف مکان به‌مثابه فضایی هویت‌ساز، نسبی و تاریخی (فکوهی، ۱۳۹۳: ۲۴۲) با هویت به‌مثابه محصول نیروهای فرهنگی و اجتماعی (عاملی و اخوان، ۱۳۹۱: ۷۷) و منظر به‌مثابه برساختی از عناصر عینی، ذهنی و فرهنگی که شکل‌گیری آن در اذهان مردم با دخالت تاریخ، اعتقادات دینی و اسطوره‌ای، اقلیم و سنت زیست و امثال آنها بوده است (منصوری، ۱۳۸۳: ۷۲) پیوند می‌یابد.

مکان و هویت

تاکنون تعاریف بسیاری درباره مفهوم مکان بیان شده است که همگی مدعی خاص بودن ماهیت مکان در برابر مفهوم عام‌تر محیط بوده‌اند. بر این اساس محیط دربرگیرنده موقعیت مکانی و فیزیکی، فاقد معنی و یا هرگونه ارزشی برآمده از تجربه فرد است. درحالی که مکان یک پدیده چندوجهی بوده که علاوه بر محیط فیزیکی، محیط اجتماعی را نیز دربردارد. افراد براساس تجارب، ارتباطات اجتماعی، احساسات و افکار خود در بستر کالبدی فضا به آن، مفهوم مکان می‌بخشند. به‌طور خلاصه مکان‌ها موقعیت‌های فیزیکی هستند که آغشته به ارزش و معنی شده‌اند (لک و جلالیان، ۱۳۹۷: ۷۲). ارتباط میان هویت و مکان براساس دو روش قابل تبیین است: شیوه اول هویت‌یابی مکان است که اشاره به هویت‌یابی بیان شده از سوی فرد با مکان او دارد و شیوه دوم ارتباط مکان و هویت از طریق مفهوم «هویت مکانی» است (تایگر - راس و اوزل به نقل از عاملی و اخوان، ۱۳۹۱: ۷۸). در ارتباط با تجربه یک شهر، هویت مکانی منتهی به هویت

شهری می‌شود. هویت شهری شامل مشخصه‌هایی نظیر تاریخت، مکانیت، خاطره جمعی، متن روابط اجتماعی عام و خاص و احساس تعلق فردی، قبیله‌ای، مکانی و رویدادهای فرهنگی، اجتماعی است (پیران، ۱۳۸۴ به نقل از زیاری، پژوهان و خلیلی، ۱۳۹۲: ۱۴۳). به عبارت دقیق‌تر هویت شهر عبارت است از فرایند ایجاد احساس و تعلق به‌عنوان شهروند به شهر و عناصر سازنده هویت شهر به‌عنوان عناصر خارجی (صبری و مهرابی، ۲۰۰۶ به نقل از: هاجری، زنگنه و حمیدیان، ۱۳۹۷: ۱۶۲). در واقع می‌توان گفت شهرها هویت خود را از اثر و تعامل دوسویه محیط و انسان‌ها بر یکدیگر می‌گیرند. (یوان به نقل از عاملی و اخوان، ۱۳۹۱: ۷۸). در همین ارتباط، مفاهیمی چون «حس مکان» و «روح مکان» با محوریت مفهوم معنا مطرح می‌شود.

نظریه‌پردازانی نظیر رلف و کانتر با رویکردهای متفاوت مکان را مرکب از سه مؤلفه کالبد، فعالیت و معنا (تصورات) می‌دانند که در این میان معنا از اهمیت بسزایی برخوردار است (لک و جلالیان، ۱۳۹۷: ۷۲). کوین لینچ نیز در تئوری شکل خوب شهر، هفت معیار شامل سرزندگی، معنی، تناسب، دسترسی، نظارت و اختیار، کارایی و عدالت را مطرح می‌کند. معیار معنی، شامل پنج مؤلفه است: ساختار، هویت، شفافیت، سازگاری و خوانایی. به عبارت ساده‌تر مفهوم معنی یعنی این‌که شهر تا چه اندازه می‌تواند به‌وضوح درک شده، از نظر ذهنی قابل شناسایی باشد، ساکنانش، آن را در زمان و مکان به تجسم درآورند و تا چه اندازه آن ساختار ذهنی با ارزش‌ها و مفاهیم جامعه در ارتباط است (لینچ به نقل از آتشین‌بار، ۱۳۸۸: ۵۱). بر این اساس می‌توان هویت را معادل معنی دانست و در شهر آن را معادل تشخیص یک مکان و تمایز آن با مکان دیگر به‌واسطه درک حسی (با مصادیقی چون صدا، بنا، احساس غم و شادی)، تصاویر ذهنی، ساختار و فعالیت‌هایی که در آن صورت می‌پذیرد قلمداد نمود (حبیبی به نقل از آتشین‌بار، ۱۳۸۸: ۵۲). رلف ارتباط میان انسان و مکان را با عنوان روح مکان یاد می‌کند و شولتز آن را عاملی می‌داند که حالت روحی را سبب می‌گردد و نمود آن ادراکی است (کارمونا به نقل از جوادی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۸). حس مکان نیز به روابط کلی یک شخص با یک مکان شامل ادراک، احساسات و رفتار مربوط است و می‌تواند شامل سه سطح تعلق به یک مکان، دل‌بستگی به یک مکان و تعهد به یک مکان باشد (لک و جلالیان، ۱۳۹۷: ۷۴). لینچ حس مکان (به‌مثابه هویت مکان) را عاملی برمی‌شمارد که میان انسان و مکان ارتباط برقرار کرده و وحدت به وجود می‌آورد. او اعتقاد دارد که فضا باید هویت قابل ادراکی داشته باشد و قابل شناسایی و به‌یادماندنی و نمایان باشد تا حس مکان



ایجاد شده و ارتباط انسان و مکان به وحدت بیانجامد (لینچ به نقل از جوادی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۹).

در ارتباط با هویت تاریخی شهر نیز، مفهوم «خاطره مکان» و «مکان - خاطره» در پیوند با مفاهیمی چون حافظه جمعی، حافظه فرهنگی و خاطره شهری مطرح می‌شود. مکان - خاطره جایی است که حافظه فرهنگی متبلور می‌شود و مشتمل بر ۱- مکان‌هایی مانند موزه، کاخ، مقبره، بناهای یادبود. ۲- مفاهیم و اعمالی مثل مجلس یادبود، نسل، شعار و مناسک. ۳- ایژه‌هایی از قبیل دارایی موروثی، بناهای یادبودی و نمادها است. در مجموع مکان - خاطره‌ها مصنوعات هستند که گذشته را به خاطر ما می‌آورند (نورا به نقل از آقابابایی و ژیانپور، ۱۳۹۵: ۵۷). در ارتباط با شهر ادعا می‌شود که شهر بی‌خاطره، شهر بی‌هویت است (حبیبی، به نقل از عاملی و اخوان، ۱۳۹۱: ۸۰). در واقع از طریق شناخت تاریخ شهر و اجتماعات آن تا زمان معاصر، می‌توان خاطره آن شهر را در ارتباط با گذشته‌ی آن شناخت؛ خاطره شهری که توسط تجارب افراد در آن فضا، تاریخ و محیط اجتماعی ساخته شده است. در مجموع و در پیوند این مفاهیم باهم می‌توان گفت هویت مکان است که معنا و خاطره مکان را دربر دارد و احراز هویت است که شهر را، خاطره‌دار و معنادار و مکان‌ها را دارای حس مکان و روح مکان می‌کند (محمودی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۸۴).

منظر و هویت

منظر شهری دانش شناخت مفهوم شهر نزد شهروندانی است که در طول تاریخ در آن محیط زیسته‌اند، با کالبدهای طبیعی و مصنوع محیط ارتباطی معنایی تولید کرده‌اند و در تداوم حیات معقول آنها نقش اساسی دارد (منصوری، ۱۳۸۹: ۳۳). منظر شهری تنها در لایه حسی و ملموس شهر تعریف نمی‌شود بلکه دارای سه بعد احساسی، فرهنگی و اکولوژیکی است. منظر از دل زمینه محیطی، فرهنگی و تاریخی خود به وجود می‌آید و همین امر در شهرهای تاریخی ما موجد پایداری رابطه انسان با شهر شده است (شیبانی، ۱۳۸۹: ۴). بر این مبنا می‌توان نسبت هویت و منظر شهری را در تعامل چهار عامل ویژگی‌های کالبدی شهر و قابلیت‌های آن، معانی و مفاهیم قابل درک در شهر و زندگی اجتماعی و حیات مدنی شهروندان خلاصه نمود که خود ابزاری برای حفظ هویت در منظر شهر است (آتشین‌بار، ۱۳۸۸: ۵۴).

در ارتباط میان این دو مفهوم، «هویت منظر شهری» مطرح می‌شود که به میل به

زندگی در شهرهای امروز با پشتوانه دیروز اشاره دارد. البته تفسیر منظر شهر، تحولات تاریخی شهر و ذهنیات شهروندان را رمزگشایی می‌کند؛ به شرط آن‌که ردپای تاریخ بر صورت شهر باقی مانده باشد (منصوری، ۱۳۸۹: ۳۳). در نهایت و با ارجاع به مفاهیم پیش گفته می‌توان ادعا کرد آنچه به هویت در منظر شهری مفهوم می‌بخشد ارتباط انسان امروز با زندگی گذشته و حال اوست که در بستر شهر ظهور پیدا می‌کند و یکی از ابزارهای حفظ یا تولید آن، حافظه جمعی و ذهن شهر است (آتشین‌بار، ۱۳۸۸: ۵۴).

روش پژوهش

با توجه به اهداف و موضوع پژوهش (شناسایی معانی ذهنی نهفته در نظرات ثبت شده بازدیدکنندگان آرامستان تخت فولاد اصفهان) این مطالعه ذیل پارادایم تفسیری و با رویکردی کیفی انجام شده است. بر همین مبنا پژوهش حاضر با پایبندی به اصول روشی پژوهش کیفی (فارغ از سنت‌های مطرح در این زمینه) انجام شده است.

میدان پژوهش، نمونه و داده‌ها

از سال ۱۳۸۸ در مجموعه تخت فولاد بستری مکتوب به منظور ثبت نظرات بازدیدکنندگان به صورت آزاد و داوطلبانه فراهم شده است. بر این اساس میدان این پژوهش، متن اظهارات ثبت شده‌ی بازدیدکنندگان مجموعه تخت فولاد در دفترچه‌های ثبت خاطره گردآوری شده طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳ است. مطابق دیدگاه فلیک^۱ انواع داده‌های کیفی را می‌توان به داده‌های متنی و مشاهده‌ای تقسیم کرد و در این بین داده‌های متنی به دو دسته داده‌ی تولیدشده (متنی - شنیداری) و متون مکتوب (متنی - دیداری) تقسیم می‌شوند (محمدپور، ۱۳۸۹: ۱۰۰) بر این اساس نظرات ثبت شده از سوی بازدیدکنندگان این مجموعه در زمره داده‌های متون مکتوب قرار می‌گیرد که امکان تحلیل کیفی را فراهم می‌کند.

انتخاب دفترچه‌های مورد نظر جهت تحلیل، نیز متناسب با شیوه انتخاب نمونه در تحقیقات کیفی، هدفمند و در راستای دستیابی به اطلاعات غنی و پرمایه بود (ن.ک. محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۴). بر این اساس با بهره‌گیری از راهبرد انتخاب نمونه با «حداکثر تنوع یا ناهمگونی» (که با شناسایی خصوصیات متنوع یا معیار ساخت نمونه آغاز می‌شود و پس از آن طیف وسیعی از موارد شامل افراد، گروه‌ها، محیط‌ها و دیگر ابعاد،

1. Flick, Uwe



به طور هدفمند انتخاب می‌شوند) از میان ۶ دفترچه از نظرات بازدیدکنندگان، دو دفترچه سال ۱۳۹۰ و سال ۱۳۹۳ انتخاب شد. این انتخاب با در نظر گرفتن سه معیار بیشترین اظهار نظر ثبت شده، تنوع زمانی حضور مخاطبین و شمولیت بازدید در مجموعه تخت فولاد (نه صرفاً یک مکان خاص) انجام شد. سپس اظهارات ثبت شده در این دو دفترچه که شامل گروه‌های مختلف سنی، جنسی، تحصیلی، شغلی، اقلیمی و... است وارد فرآیند تحلیل شد.

شیوه تحلیل

با توجه به مکتوب بودن داده‌های گردآوری شده، پیاده‌سازی از فرآیند کار خارج شد. تحلیل داده‌های به دست آمده در این مطالعه با استفاده از تحلیل مضمون انجام شده است. از جمله مزایای تحلیل مضمون انعطاف‌پذیری آن است. به‌طور کلی، شیوه‌های تحلیل در پژوهش‌های کیفی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول روش‌هایی هستند که برخاسته از موضع نظری یا معرفت‌شناسی خاصی هستند که به خاطر وجود دستورالعمل خاص برای تحلیل، در کاربرد آنها تنوع محدودی وجود دارد. از جمله تحلیل مکالمه، تحلیل پدیدارشناسی تفسیری، نظریه زمینه‌ای، تحلیل گفتمان و تحلیل روایی.

دسته دوم روش‌هایی هستند که اساساً مستقل از جایگاه نظری یا معرفت‌شناسی هستند و در طیف گسترده‌ای از رویکردهای نظری و معرفت‌شناسی می‌توان از آنها استفاده کرد. تحلیل مضمون در این دسته جای می‌گیرد. این شیوه به خاطر فراهم کردن امکان تحلیلی گسترده، یک ابزار انعطاف‌پذیر و مفید به‌شمار می‌رود که می‌تواند داده‌های غنی، مفصل و درعین حال پیچیده‌ای ارائه دهد (بران، ۲۰۰۶: ۴). در این روش سه شیوه رایج وجود دارد که در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول شماره ۱: شیوه‌های تحلیل مضمون

قالب مضمون‌ها	توصیف	ارائه‌کننده روش
قالب مضمون‌ها	در پژوهش‌هایی که تعداد متون و داده‌های آن زیاد باشد (ده تا سی منبع) به کار می‌رود.	کینگ و هوراکز (۲۰۱۰)
ماتریس مضمون‌ها	برای مقایسه مضمون‌ها با یکدیگر و یا مقایسه آنها در منابع داده‌ها استفاده می‌شود.	مایلز و هابرمین (۱۹۹۴)
شبکه مضمون‌ها	شبکه مضمون‌ها نقشه‌ای شبیه تارنما به‌مثابه اصل سازمان‌دهنده و روش نمایش عرضه می‌کند.	آتراید و استیرلینگ (۲۰۰۱)

از میان شیوه‌های تحلیل مضمون، شیوه مورد استفاده در این پژوهش شبکه مضامین

است. شبکه مضامین بر اساس روندی مشخص، پایین‌ترین سطح قضایای پدیده را از متن بیرون می‌کشد (مضمون‌های پایه)؛ سپس با دسته‌بندی مضمون‌های پایه‌ای و تلخیص آنها به اصول مجردتر و انتزاعی‌تر دست می‌یابد (مضمون‌های سازمان دهنده)؛ در قدم سوم این مضمون‌های عالی در قالب استعاره‌های اساسی گنجانده می‌شود و به صورت مضمون‌های حاکم بر کل متن در می‌آید (مضمون‌های فراگیر) (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰ به نقل از قاضی میرسعید و تاج‌آبادی، ۱۳۹۵: ۱۵۷).

اعتبار پژوهش

اکثر روش‌شناسان کیفی به جای استفاده از واژگان اعتبار و روایی کمی از معیار «اعتمادپذیری یا قابلیت اعتماد» جهت ارجاع به ارزیابی کیفیت نتایج کیفی استفاده می‌کنند. قابلیت اعتماد، به بیانی ساده، میزانی است که در آن می‌توان به یافته‌های یک تحقیق کیفی متکی بود و به نتایج آنها اعتماد کرد (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰ به نقل از قاضی میرسعید و تاج‌آبادی، ۱۳۹۵: ۱۸۴). این معیار دربرگیرنده چهار معیار جداگانه است که جهت ارائه توضیحاتی در باب اعتبار این پژوهش به دو معیار باورپذیری و تأییدپذیری اشاره می‌شود. به علاوه در رابطه با معیار زاویه‌بندی تحلیلی پژوهشگر (از معیارهای متأخر)، نیز توضیحاتی آمده است. باورپذیری به میزان باور داشتن به یافته‌های تحقیق ارتباط دارد (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰ به نقل از قاضی میرسعید و تاج‌آبادی، ۱۳۹۵: ۱۸۴). درگیری طولانی‌مدت محققان این مطالعه با داده‌ها و میدان پژوهش، یعنی سرمایه‌گذاری زمانی کافی برای فهم موضوع پژوهش و همساز و هم‌پسته بودن داده‌ها از جمله تلاش‌ها در تحقق باورپذیری است (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰ به نقل از قاضی میرسعید و تاج‌آبادی، ۱۳۹۵: ۱۸۴). تأییدپذیری به «عینیت کیفی» گزارش تحقیق اطلاق می‌شود. به طوری که محقق باید نشان دهد که یافته‌های وی عملاً و واقعاً مبتنی بر داده‌ها هستند (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰ به نقل از قاضی میرسعید و تاج‌آبادی، ۱۳۹۵: ۱۸۴). در تحقیق حاضر تلاش شده با ارائه شفاف‌سیر مفهومی (از جملات برآمده از مردم تا مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر) استنتاج نتایج و یافته‌های تحقیق مبتنی بر اقتضانات مفهومی و واژگانی داده‌های تحقیق نشان داده شود. زاویه‌بندی تحلیلی یا پژوهشگر نیز که به استفاده بیش از یک پژوهشگر — تحلیل‌گر جهت ملاحظه و بازنگری یافته‌های تحقیق دلالت دارد، با توجه به تعداد نویسندگان مطالعه و تخصص آنان در تحلیل‌های کیفی لحاظ شده است.



یافته‌های پژوهش

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، هدف اصلی این پژوهش دستیابی به معانی ذهنی بازدیدکنندگان نسبت به مجموعه تخت فولاد است. بدین منظور مجموعه‌ای از اظهارات ثبت شده‌ی بازدیدکنندگان تخت فولاد در دفاتر ثبت خاطره و دل‌نویسه، از طریق تکنیک تحلیل مضمون کاوش گردید. یافته‌های به دست آمده حاکی از ۵ مضمون فراگیر «هویت‌مندی»، «حس و حال»، «هویت‌بخشی»، «آمال» و «ارزیابی» است که در این بین هویت‌مندی و هویت‌بخشی دو مضمون اصلی است که معانی ذهنی مخاطبان این مجموعه را توضیح می‌دهد. در ادامه به توصیف بیشتر و دقیق‌تر یافته‌ها و درنهایت شبکه مضامین ارائه شده، می‌پردازیم.

هویت‌مندی

مضمون فراگیر «هویت‌مندی» برساخته چهار مضمون سازمان‌دهنده چشم‌گیر، گران‌مایه، بی‌نظیر و ارزشمند است. بدین معنا که بازدیدکنندگان، این مجموعه را به لحاظ هویت بصری و زیباشناختی مکانی «چشمگیر» (برساخته مضامین پایه زیبا، عالی، دیدنی، خوب، جالب، عظمتی به بلندای آسمان، باشکوه و قابل ستایش) و به لحاظ هویت معنوی «گران‌مایه» (برساخته مضامین پایه باارزش، اصیل، مقدس، گران‌بها، گنجینه، نفیس و بهشتی در اصفهان) تلقی نموده‌اند. هم‌چنین از نظر هویت مکانی «بی‌نظیر» (برساخته مضامین پایه نایاب، مکانی عجیب و بی‌نظیر) و در هویت تاریخی «ارزشمند» (برساخته مضامین پایه سرمایه‌ی ملی و معنوی تاریخ ایران، عمق تاریخی و معنوی، یادگار تاریخ اسلامی - تجسمی از تاریخ طلایی کشور و مدفن عشاق و دل‌سوختگان) معرفی شده‌است.

حس و حال

دیگر مضمون فراگیر استخراج شده «حس و حال» مشتمل بر چهار مضمون سازمان‌دهنده لذت، بهجت، حیرت و عزت است. مضمون سازمان‌دهنده «لذت» برساخته مضامین پایه سرور (خوش‌آمدن؛ خوش‌گذشتن)، خوشحالی از بازدید، خرسندی، لذت بردن، رضایت کامل، خاطره‌انگیزی، تازگی و جذابیت است. هم‌چنین مضمون سازمان‌دهنده «بهجت» که در بردارنده مضامین پایه نشاط روحی، فرهنگ‌مندی، آرامش و صفای روح است نشان از احساس فرحی فاخر در بازدیدکنندگان دارد. به‌علاوه مضامین پایه به وجد آمدن، شیفته و شگفت‌زده شدن، شگفتی از حضور در

بهترین مکان، شگفتی دیدار از بهترین جای دیده شده، دوست داشتنی‌ترین مکان، حظ بردن از گذشته، شگفتی از نادیده‌ها و تجربه‌ای تکرار نشدنی، برساننده مضمون سازمان‌دهنده «حیرت» است. آخرین مضمون برساننده مضمون فراگیر «حس و حال» مضمون سازمان‌دهنده «عزت» است. عزت بر ساخته مضامین پایه بالیدن به خود از دیدن این مکان، بالیدن به خود به خاطر علما، مفاخر و مشاهیر اصفهان، احساس غرور و افتخار، تقدیر تاریخ افتخارآمیز، افتخار به قدمت تاریخی اصفهان، اصفهان سرآمد شهرهای جهان و اصفهان سرشار از تاریخ و فرهنگ است.

هویت بخشی

مضمون فراگیر «هویت بخشی» برآمده از یادداشت‌های ثبت شده بازدیدکنندگان مجموعه تخت فولاد بر ساخته سه مضمون سازمان‌دهنده «بازدارندگی»، «آموزندگی» و «بالندگی» است. اولین مضمون سازمان‌دهنده یعنی بازدارندگی بر ساخته مضامین پایه توجه به آخرت و خودسازی، خارج شدن از وابستگی دنیوی و آرام شدن دل‌ها است. مضمون برساننده دوم یعنی آموزندگی بر ساخته مضامین پایه آشنایی با اصفهان قدیم، آشنایی با گذشته زیبای اصفهان، آشنایی با گذشته خود، آشنایی با تاریخ با عظمت، نقش انسان‌های بزرگ در تاریخ، آگاهی از نقش علماء در اعتلای اسلام ناب، آموختن مطالب فراوان، آموزنده بودن مکان و افزایش معلومات و دانستنی‌ها است. آخرین مضمون برساننده این مضمون فراگیر یعنی بالندگی نیز بر ساخته مضامین پایه وقوف بیشتر به عظمت اسلام، توجه به سرمایه‌های داخلی، حفظ فرهنگ و هویت جامعه، افتخار به گذشته و نیاکان، زنده نگاه داشتن تاریخ و احترام به تاریخ و فرهنگ خود است.

آمال

چهارمین مضمون فراگیر به دست آمده از یادداشت‌های ثبت شده بازدیدکنندگان مجموعه تخت فولاد بر ساخته دو مضمون سازمان‌دهنده «تعمیم» و «تداوم» است. منظور از تعمیم آرزوی گسترش اقدامات حافظ این مکان و سایر مکان‌های تاریخی هویتی است. این مضمون بر ساخته مضامین پایه آرزوی انجام این اقدامات در تمامی مصدرها، امید به حفظ آثار ملی دیگر، آرزوی حفاظت همه‌ی مکان‌های قدیمی به نحو احسن، آرزوی حفظ آثار گران‌بهای این کشور توسط میراث فرهنگی، بها دادن بیشتر به این گونه کارها، امید به حفظ میراث و قدر دانستن شخصیت‌ها است. منظور از تداوم،



استمرار فعالیت‌های لازم جهت مجموعه تخت فولاد است که بر ساخته مضامین پایه تلاش برای از بین نرفتن مجموعه، محافظت از آثار گران بها، تلاش در جهت ماندگاری آثار مجموعه و رونق دهی به مجموعه است.

ارزیابی

آخرین مضمون فراگیر برآمده از اظهارات ثبت شده بازدیدکنندگان مجموعه تخت فولاد ارزیابی افراد از آنچه باید در این مجموعه رخ دهد است. مضمون ارزیابی بر ساخته مضامین سازمان‌دهنده «پاسداشت»، «پیشنهاد» و «انتقاد» است. در اظهارات ثبت شده بازدیدکنندگان این مجموعه بر پاسداشت مشاهیر (زننده نگه داشتن یاد مشاهیر دینی، اهمیت دهی به مقبره علما، هنرمندان و درگذشتگان و اجر گذاشتن به مفاخر) و پاسداشت تاریخ (حفظ آثار و سرمایه‌های ملی، تاریخی و مذهبی، زننده نگه داشتن میراث ایران قدیم، حفظ فرهنگ، هویت و اصالت، زننده و بالنده نمودن میراث مدفون تخت فولاد و مانایی آثار غنی قدیمی) تأکید داشته‌اند. پیشنهادها بازدیدکنندگان نیز در دو زمینه بهبود و نگهداشت (شامل مضامین پایه‌ی محافظت از مجموعه، تبدیل مجموعه به موزه، توجه بیشتر به مرمت تخت فولاد، توجه بیشتر به نظافت، کنترل و نظارت بر قبرها با دوربین مداربسته و جلوگیری از نوشتن روی دیوارها) و تبلیغ (شامل مضامین پایه‌ی استفاده از آثار حجمی و تندیس بزرگان، تدوین بروشور ویژه همه اماکن، ضرورت اطلاع‌رسانی دقیق و شفاف، نمایش این مکان‌های زیبا و زندگی نافذ علما در تلویزیون، اطلاع‌رسانی برای عموم و محدود نشدن به خواص و چاپ کتاب این مجموعه) طرح شده است. هم‌چنین در این اظهارات ثبت شده انتقاداتی نیز در رابطه با آراستگی و بهداشت مطرح شده است. در ادامه جدول شبکه مضامین حاصل شده در این پژوهش ارائه شده است.

جدول شماره ۱: شبکه مضامین اظهارات ثبت شده بازدیدکنندگان تخت فولاد

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضامین پایه
میراث دینی	چشم‌گیر	زیبا، عالی، دیدنی، خوب، جالب، عظمتی به بلندی آسمان، باشکوه، قابل ستایش
	گران‌مایه	بارزش، اصیل، مقدس، گران‌بها، گنجینه، نفیس، بهشتی در اصفهان
	بی‌نظیر	نایاب، مکانی عجیب، بی‌نظیر بودن

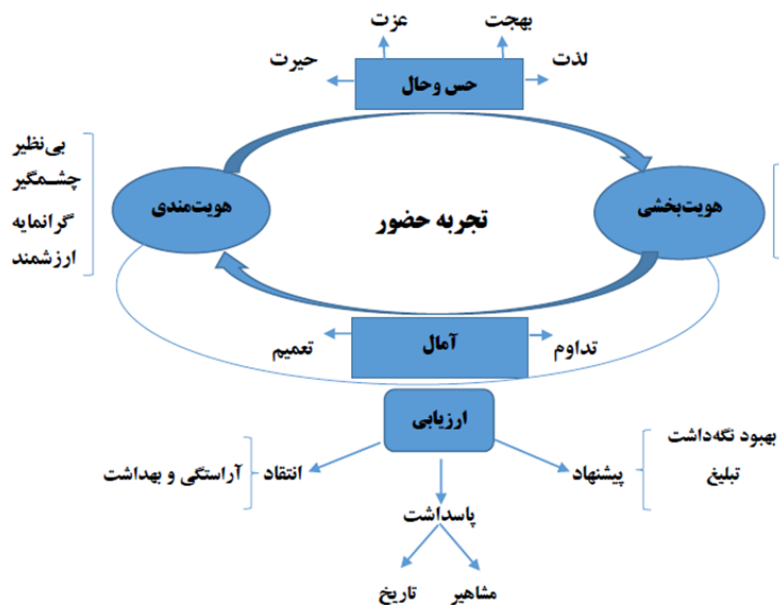
ارزشمند	سرمایه‌ی ملی و معنوی تاریخ ایران، عمق تاریخی و معنوی، یادگار تاریخ اسلامی، تجسمی از تاریخ طلایی کشور، مدفن عشاق و دل‌سوختگان	
لذت	سرور (خوش آمدن؛ خوش گذشتن)، خوشحالی از بازدید، خرسندی، لذت بردن، رضایت کامل، خاطره‌انگیزی، تازگی و جذابیت	حسن و طرا
بهبخت	نشاط روحی، فرهمندی، آرام‌بخشی، صفای روح	
حیرت	به وجد آمدن، شیفته و شگفت‌زده شدن، شگفتی از حضور در بهترین مکان، شگفتی دیدار از بهترین جای دیده شده، دوست‌داشتنی‌ترین مکان، حظ بردن از گذشته، شگفتی از نادیده‌ها، تجربه‌ای تکرار نشدنی	
عزت	بالیدن به خود از دیدن این مکان، بالیدن به خود به خاطر علما، مفاخر و مشاهیر اصفهان، احساس غرور و افتخار، تقدیر تاریخ افتخارآمیز، افتخار به قدمت تاریخی اصفهان، اصفهان سرآمد شهرهای جهان، اصفهان سرشار از تاریخ و فرهنگ	
بازدارندگی	توجه به آخرت و خودسازی، خارج شدن از وابستگی دنیوی، آرام‌کننده دل‌ها	پویایی
آموزندگی	آشنایی با اصفهان قدیم، آشنایی با گذشته زیبای اصفهان، آشنایی با گذشته خود، آشنایی با تاریخ با عظمت، نقش انسان‌های بزرگ در تاریخ، آگاهی از نقش علماء در اعتلای اسلام ناب، آموختن مطالب فراوان، آموخته بودن مکان، افزایش معلومات و دانستی‌ها	
بالندگی	وقوف بیشتر به عظمت اسلام، توجه به سرمایه‌های داخلی، حفظ فرهنگ و هویت جامعه، افتخار به گذشته و نیاکان، زنده نگه داشتن تاریخ، احترام به تاریخ و فرهنگ خود	
تعمیم	آرزوی انجام این اقدامات در تمامی مصدرها، امید به حفظ آثار ملی دیگر، آرزوی حفاظت همه مکان‌های قدیمی، آرزوی حفظ آثار گران‌بهای این کشور توسط میراث فرهنگی، بها دادن بیشتر به این گونه کارها، امید به حفظ میراث و قدر دانستن شخصیت‌ها	آثار
تداوم	تلاش برای از بین نرفتن مجموعه، محافظت از آثار گران‌بها، تلاش در جهت ماندگاری آثار مجموعه، رونق‌دهی به مجموعه	
مشاهیر	زنده نگه داشتن یاد مشاهیر دینی، اهمیت‌دهی به مقبره علما، هنرمندان و درگذشتگان، اجر گذاشتن به مفاخر	ارزویی
پاسداشت	حفظ آثار و سرمایه‌های ملی، تاریخی و مذهبی، زنده نگه داشتن میراث ایران قدیم، حفظ فرهنگ، هویت و اصالت، زنده و بالنده نمودن میراث مدفون تخت فولاد، مانایی آثار غنی قدیمی	



محافظة از مجموعه، تبدیل مجموعه به موزه، توجه بیشتر به مرمت تخت فولاد، توجه بیشتر به نظافت، کنترل و نظارت بر قبرها با دوربین مدار بسته، جلوگیری از نوشتن روی دیوارها	بهبود نگهداشت	پیشنهاد
استفاده از آثار حجمی و تندیس بزرگان، تدوین بروشور ویژه همه اماکن، ضرورت اطلاع رسانی دقیق و شفاف، نمایش این مکان‌های زیبا و زندگی نافذ علما در تلویزیون، اطلاع رسانی برای عموم و محدود نشدن به خواص، چاپ کتاب مجموعه	تبلیغ	
نیاز به تعمیر اکثر مکان‌ها، نیاز به غبارروبی، نیاز به رفع زشتی‌های منظر (نظیر دیوارنویسی و یادگارنویسی روی دیوارها)	آراستگی و بهداشت	انتقاد

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مطالعه دریافت بازدیدکنندگان از تخت فولاد مورد کنکاش قرار گرفته است. پرسش اصلی نویسندگان این بود که تخت فولاد به‌عنوان گورستانی تاریخی و مورد احترام در اصفهان در اذهان بازدیدکنندگان چه سیمایی دارد و چگونه تصویر می‌شود. براساس شبکه مضامین به دست آمده از یادداشت‌های ثبت شده بازدیدکنندگان مجموعه تخت فولاد، مدلی مفهومی از ارتباط این مضامین تدوین شد که در شکل زیر آمده است.



مدل مفهومی حاصل از تحلیل نظرات بازدیدکنندگان تخت فولاد

بر این اساس، تجربه‌ی حضور در تخت فولاد با چرخه‌ای از هویت (هویت‌مندی و هویت‌بخشی)، حس و حال و آمال قابل توصیف است. هم‌چنین بازدیدکنندگان ارزیابی‌شان از وجوه مختلف این مکان را در قالب پیشنهاد، پاسداشت و انتقاد مطرح کرده‌اند. تحلیل یادداشت‌های بازدیدکنندگان این مطالعه در بردارنده‌ی آن است که در تجربه‌ی بازدیدکنندگان وجوه بصری - زیبایی‌شناختی این مجموعه، آن را چشمگیر، وجوه معنوی‌اش، آن را گران‌مایه، وجوه تاریخی‌اش آن را ارزشمند و وجوه مکانی‌اش آن را بی‌نظیر می‌کند. هویت‌مندی برساختی از این ویژگی‌هاست بدین معنا که شهروندان این مجموعه را واجد هویت منحصر به فرد و ویژه درک می‌کنند. این جنبه‌ی پیش‌داشته، از هویت مکان، ذیل مفهوم هویت‌بخشی تکمیل می‌شود. این بدین معناست که در تجربه‌ی بازدیدکنندگان، تخت فولاد نه تنها واجد هویت است بلکه به واسطه‌ی وجود عناصر آموزنده، بازدارنده و بالنده احساس هویت را در بازدیدکنندگان نیز ایجاد می‌کند. بر این اساس هویت‌دار بودن مجموعه‌ی تخت فولاد ارتباط تنگاتنگی با هویت‌بخشی آن دارد. این یافته از آن جهت اهمیت دارد که تخت فولاد به مثابه مکانی خاطره‌انگیز با اتصال تاریخی به گذشته باعث تقویت هویت منظر شهری خواهد شد. هم‌چنین چنان‌که یافته‌ها نشان می‌دهد تجربه‌ی احساسی مشتمل بر لذت، بهجت، حیرت و عزت، تسهیل‌گر انتقال وجوه هویتی مجموعه به بازدیدکنندگان است و از همین مجرا، آرزو و میل به تعمیم، تفاخر و تداوم مجموعه شکل می‌گیرد. این یافته مؤید تعریف تخت فولاد به مثابه مکانی واقعی شهری است. جایی که ما را متحول می‌کند و ما در هنگام ترک آن دیگر کسی نیستیم که وارد شده‌ایم (نامورمطلق به نقل از سانسو، ۱۳۹۶: ۱۶۲).

یادداشت

۱- گورستان، قبرستان، مزارستان یا آرامستان واژه‌های مصطلحی برای محل دفن اجساد انسان است. با در نظر گرفتن تفاوت‌ها در فضای مفهومی این واژگان و از آنجا که در منابع مختلف واژه‌های متفاوتی استفاده شده، نویسندگان این مقاله واژه گورستان را در همه متن استفاده کرده‌اند.

منابع

- آتشین‌بار، محمد (۱۳۸۸)؛ «تداوم هویت در منظر شهری»، *فصلنامه باغ‌نظر*، س ۶، ش ۱۲، صص ۴۵-۵۶.
- آقابابایی، احسان؛ زیانپور، مهدی (۱۳۹۵)؛ «گلزار شهدا به مثابه‌ی مکان - خاطره»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱۸، ش ۶۷، صص ۵۳-۶۸.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۴)؛ *روش‌شناسی تحقیقات کیفی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- پیران، پرویز (۱۳۸۴)؛ «هویت شهرها؛ غوغای بسیار برای مفهومی پیچیده»، *مجله آبادی*، س ۱۵، ش ۴۸، صص ۶-۹.
- جوادی، مهسا؛ بوداغ، مهرناز؛ مکانی، ویدا (۱۳۹۴)؛ «درآمدی بر مفهوم هویت محیط انسان‌ساخت بوسیله مؤلفه‌های مکان، فضا و کالبد»، *فصلنامه مدیریت شهری*، س ۱۴، ش ۴۱، صص ۱۶۰-۱۳۹.
- حقیر، سعید؛ شوهانی‌زاد، یلدا (۱۳۹۰)؛ «چگونگی ارتقای جایگاه گورستان‌ها در جوانب فرهنگی و اجتماعی توسعه پایدار شهری در ایران»، *فصلنامه باغ‌نظر*، س ۸، ش ۱۷، صص ۹۴-۸۱.
- خمر، غلامعلی؛ پاسبان‌عیسی‌لو، وحید (۱۳۹۴)؛ «آرامستان‌های درون‌شهری، هویت و قابلیت‌های فراموش شده آن»، *اولین کنگره بین‌المللی زمین، فضا و انرژی پاک*، اردبیل: دانشگاه محقق اردبیلی.
- روانشادنیاز، سمیه (۱۳۹۴)؛ «نقش آرامستان تاریخی دارالسلام شیراز به‌منزله نشانه شهری در زنده کردن خاطرات جمعی مردم»، *اولین کنفرانس بین‌المللی جامع علوم مهندسی در ایران*، شهر انزلی.
- زارعی‌مزرعچه، طاهره؛ زاهدی، محمد؛ شفیع، زاهد (۱۳۹۴)؛ «برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری در آرامستان تاریخی، فرهنگی و مذهبی تخت فولاد»، *مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*، س ۴، ش ۱۵، صص: ۱۴۷-۱۲۸.
- شاه‌مندی، اکبر؛ شهیدانی، شهاب (۱۳۹۲)؛ «نقش و جایگاه آرامگاه تاریخی تخت فولاد در حیات شهری اصفهان از صفویه تا معاصر»، *فصلنامه علمی، پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، س ۵، ش ۱۶، صص ۹۱-۱۱۲.
- شفیع، زاهد؛ زارعی‌مزرعچه، طاهره (۱۳۹۳)؛ «آرامستان‌های تاریخی؛ مقاصدی پیش روی گردشگران فرهنگی»، *ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه‌های شهر اسلامی*، مشهد.
- شببانی، مهدی (۱۳۸۹)؛ «منظر ادراکی شهر؛ آسیب‌شناسی منظر شهری تهران»، *مجله منظر*، س ۳، ش ۹، صص ۴-۷.
- عابدی‌جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰)؛ «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، *مجله اندیشه مدیریت راهبردی*، س ۵، ش ۲، شماره پیاپی ۱۰، صص ۱۹۸-۱۵۱.
- عاملی، سیدسعیدرضا؛ اخوان، منیژه (۱۳۹۱)؛ «بازنمایی عناصر هویت‌بخش شهری در سفرنامه‌ها: (مطالعه مقایسه‌ای تهران و شهرستان‌های استان تهران)»، *فصلنامه مطالعات و تحقیقات در ایران*، دوره اول، ش ۴، صص ۷۵-۱۰۰.
- فکوهی، ناصر (۱۳۹۳)؛ *انسان‌شناسی شهری*، ج ۹، تهران: نشر نی.
- کاشی‌گر، مدیا (۱۳۸۲)؛ «معماری مرگ»، *مجله زیباشناخت*، صص ۱۰۵-۱۰۱.
- لک، آزاده؛ جلالیان، سحر (۱۳۹۷)؛ «تجربه معنای مکان فضای شهری: کاربرد تحلیل محتوای کیفی در کشف معنای باغ فردوس»، *دوفصلنامه مطالعات معماری ایران*، س ۷، صص ۸۷-۷۱.

- محمدپور، احمد (۱۳۸۹)؛ *فراروش*، چ ۱، تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- ----- (۱۳۹۲)؛ *روش تحقیق کیفی ضدروش ۲*، چ ۲، تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- محمودی‌نژاد و همکاران (۱۳۸۷)؛ «پدیدارشناسی محیط شهری: تأملی در ارتقای فضا به مکان شهری»، *مجله علوم و تکنولوژی محیط زیست*، دوره ۱۰، ش ۴، صص ۲۹۷-۲۸۲.
- مسعودی‌اصل، بهزاد (۱۳۹۵)؛ «مناظر فرهنگی و اجتماعی آرامستان میلان با رویکرد فضای باز جمعی شهری»، *فصلنامه هنر و تمدن شرق*، س ۴، ش ۱۴، صص ۶۲-۵۵.
- منتظرالقائم، اصغر؛ حمیدی‌اصفهانی، حسین (۱۳۹۰)؛ «جایگاه آرامستان و نقش آن در شهر اسلامی»، *نخستین همایش ملی آرمان شهر ایران*، نور: دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور.
- منصوری، سیدامیر (۱۳۸۳)؛ «درآمدی بر شناخت معماری منظر»، *فصلنامه باغ‌نظر*، س ۱، ش ۲، صص ۷۷-۶۹.
- ----- (۱۳۸۹)؛ «جیستی منظر شهری؛ بررسی تاریخی تحولات مفهومی منظر شهری در ایران»، *مجله منظر*، س ۳، ش ۹، صص ۳۳-۳۰.
- نامورمطلق، بهمن (۱۳۹۶)؛ *اسطوره - شهر اصفهان*، اصفهان: انتشارات سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری اصفهان.
- نیلفروشان، محمدرضا (۱۳۸۴)؛ *تربیت پاک: معرفی تخت فولاد*، اصفهان: انتشارات گلدسته.
- وحیدزادگان، فریبا؛ ایرانی‌بهبهانی، هما؛ طالبیان، محمدحسن (۱۳۹۲)؛ «آرامستان‌های تاریخی ایرانی - اسلامی: پارک موزه‌های نامکشوف شهری بررسی جلوه‌های هنری آرامستان تخت فولاد اصفهان»، *دومین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی*، تبریز: دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
- ----- (۱۳۹۲)؛ «ارزیابی متغیرهای تأثیرگذار بر زیبایی منظر تاریخی - فرهنگی؛ آرامستان‌های اسلامی ایران (نمونه موردی تخت فولاد اصفهان)»، *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ش ۱۱، صص ۷۸-۷۳.
- Braun, V. & Clarke, V (2006); *"Using thematic analysis in psychology"*, Qualitative Research in Psychology, Vol. 3, No. 2, PP 77-101.
- Sabri, S. & Sharzadeh Mehrabi, Z (2006); *The Position of the Concept of Identity in New Towns. Paper presented at the International Conference on New Towns*, Tehran.

